**راه عرفان، از اخلاق مى‏گذرد**

on: دی ۱۵, ۱۳۹۴در: [صفحه اصلی](http://bonyadhad.ir/category/home), [مقالات برگزیده](http://bonyadhad.ir/category/home/mags)[No Comments](http://bonyadhad.ir/2888#respond)

PrintEmail

محمد جواد رودگر

**اشاره:**

خلوت دل نیست جاى صحبت اغیار               دیو چو بیرون رود فرشته درآید

براى اینکه دل انسان به نور الهى جلوه‏گر شود مقدماتى لازم است و خود این مقدمات مراحلى دارد که باید دانست تا توفیق عمل به آنها را پیدا کرد. سالک که مى‏خواهد پرتو حضرت حق در دلش جلوه‏گر شود، باید بستر لازم را براى حضور آن نور مطلق فراهم کند «جاروب کن تو خانه سپس میهمان طلب». در این نوشتار به مقدمات و مراحل لازم تجلى آن نور مقدس در انسان پرداخته مى‏شود.

**خالى کردن نفس از رذایل‏**

در بحث از طریق عملى نفس گفته شد که جوهره حرکت انسان به سوى خدا، تطهیر درون و تزکیه نفس است، اما باید دانست که انسان تا مرحله «تخلیه» را طى نکند، به «تحلیه» نمى‏رسد. تخلیه، همان خالى کردن نفس از رذایل است؛ یعنى در میدان جهاد با نفس باید فضایل پیروز گردند و با توبه و انابه، «انقلابى حقیقى» در درون خود پدید آورد؛ انقلابى علیه خویشتنِ خویش، که از مقام «هست»، به مقام «باید»، و از وضع موجود به وضع «مطلوب» سیر کند. تا این مرحله را سپرى نکند، به مرتبه «تحلیه» یا آراستگى باطن به صفات حمیده و فضایل و مکارم عالى اخلاقى، نمى‏رسد و «مقام تجلیه» را که نور الهى جلوه مى‏کند، درک و دریافت نخواهد کرد. پس لازم است قبل از «تحلیه» و «تجلیه» به «تخلیه» خود پرداخت. و تحقق این امر، با سیر و سلوک اخلاقى امکان‏پذیر است. به همین دلیل، سائر الى‏الله بایسته است از منزل اخلاق به منزل عرفان راه یابد که راه عرفان از اخلاق مى‏گذرد و تخلّق به اخلاق الهى که ره‏آورد سلوکِ قرآنى است، انسان را خداخُو مى‏سازد و سالک را به مقام «وصول» مى‏رساند.

**چهار گام آغازین سلوک‏**

آیه «قَد أَفْلَحَ مَن زَکّاهَا»[[۱]](http://bonyadhad.ir/2888%22%20%5Cl%20%22_edn1) در مقام تبیین فَلاح انسان بر محور تزکیه نفس است؛ یعنى رهایى انسان از ماسواى الهى و از همه قیود و بندگى و بردگى غیرخدا. اگر انسان مصداق «طهّروا انفسکم مِنْ دَنَس الشَّهوات تدرِکوا رفیع الدَّرجات‏»[[۲]](http://bonyadhad.ir/2888%22%20%5Cl%20%22_edn2) گردد، در صراط تزکیه نفس قدم مى‏نهد و منازل تزکیه‏ نفس را در پرتو اوامر و نواهى الهى و سنّت‏هاى الهى، یکى پس از دیگرى طى مى‏کند و به تعبیر ابن‏سینا: «العارفون المتنزّهون الا وضع عنهم دَنَسُ مقارنَه البدن وانفکّوا عن الشواغل خلصوا الی عالم القدس والسّعاده وَانْتَعَشوا بالکمال الأعلی و حَصَلَت لهم اللّذه العلیا»[[۳]](http://bonyadhad.ir/2888%22%20%5Cl%20%22_edn3)؛ چه اینکه پاکى و طهارت از علایق و شهوات حیوانى و رهایى از امور جسمانى یا حیوانى و خلاصى از امور مادّى و حبّ دنیا، مقدمه ورود به عالم قدس و سعادت و دریافت کمال اعلى و وَجْد و ابتهاج روحانى و رحمانى یا تجربه‏هاى عرفانى است و بالاترین لذّت‏هاى روحانى و قدسى را فراروى انسان سالک قرار مى‏دهد. در جاى دیگرى بوعلى سینا نوشته است: «العرفان مبتدءٍ مِنْ تفریقٍ و نفضٍ و ترکٍ و رَفْضٍ معن فی جمعٍ، هو جمع صفات الحق للذّات المریده بالضّدق، منته الی الواحد، ثم وقوف‏».[[۴]](http://bonyadhad.ir/2888%22%20%5Cl%20%22_edn4) تفریق، مبالغه در فرق گذاشتن و زیاد جداکردن است؛ یعنى سالک بین خود و بین ماسواى‏الله، جدایى بیندازد و آنچه را که بر خود بسته است، از خود دور سازد. اولین قدم این است که سالک همه تعلّقات را قطع کند.

گام بعد، «نفض» یا تکاندن است. اگر چیزى به لباس یا فرش چسبیده باشد، اولًا آن را از روى لباس و فرش جدا مى‏کنند و سپس لباس را مى‏تکانند تا اگر چیزى از آثار آن مانده باشد، بر طرف شود. عارف باید به گونه‏اى خویشتنِ خویش را بتکاند که حتى گرد و غبارها و تعلّقات اندک را هم که بر دل نشسته است، بزداید. گام سوم این است که هرگز چیزى را براى خود نخواهد و همه چیز را «ترک» کند، حتى همین خویشتن تکانى را کمال خود تلقّى نکند و آن را هم با تکاندنى دیگر، از خود جدا کند.

سالک در گام چهارم باید «رفض» یا خودتکانى کند؛ یعنى خود را هم نبیند. رَفْض همان ترک با اهمال و بى‏اعتنایى است. گاهى انسان چیز مورد علاقه خود را ترک مى‏کند؛ چون فرصت نگهدارى آن را ندارد؛ اما گاهى چیزى را که مورد علاقه او نیست، ترک مى‏کند که این ترک، همراه با بى‏اعتنایى است.

این چهار مرحله که براى تزکیه و تخلیه است، از مراحل آغازین عرفان است. سپس نوبت این است که عارف، صفات الهى را در خود جمع کند؛ چون وقتى روح عارف تزکیه و از رذایل «تخلیه» شد، نوبت «تحلیه» و «تجلیه» فرا مى‏رسد. آن‏گاه او همه اینها را به آستانه ذات اقدس اله که واحد است، مى‏برد و محو مى‏شود؛ یعنى وقتى به مقصد رسید، آرام مى‏گیرد؛ گرچه حرکت «مِنَ‏الله إلى‏الله» پایان‏ناپذیر است و این سیر و سلوک، با سیر و سلوک زاهد و عابد تفاوت فراوان دارد[[۵]](http://bonyadhad.ir/2888%22%20%5Cl%20%22_edn5).

**پاکى از غیر خدا**

پس «شراب طهور» الهى را باید بنوشد تا از غیرخدا و هر چه که هست، یکسره پاک گردد: «شَرَاباً طَهُوراً انی یطهّرهم عن کلّ شی‏ءٍ سَوِی‏الله‏».[[۶]](http://bonyadhad.ir/2888%22%20%5Cl%20%22_edn6) «طهور» صیغه مبالغه است و به چیزى گفته مى‏شود که هم پاک است و هم پاک‏کننده. از این رو، مى‏بینیم که تخلیه، تزکیه، تحلیه و تجلیه، در تعریف ابن‏سینا مندرج‏اند. حدیث «العارفُ مَنْ عَرَفَ نَفْسَه فاعتقها و نزّهَها عن کلّ مایبعدها و یوبقها»[[۷]](http://bonyadhad.ir/2888%22%20%5Cl%20%22_edn7) نیز به این مراحل نزدیک است و مسیر حرکت سالک را از اخلاق به عرفان و طى مدارج اخلاقى و معارج عرفانى نشان مى‏دهد. بدین سان سالک در مقام سیر و سلوکش به وحدت مى‏رسد. در تعبیر خواجه نصیرالدین طوسى آمده است: «در وحدت، سالک و سلوک، و سیر و مقصد، و طالب و طلب و مطلوب نباشد …»[[۸]](http://bonyadhad.ir/2888%22%20%5Cl%20%22_edn8) که قیامت سلوکى عارف یک حقیقت بیش نیست: «لِمَنِ الْمُلْک الْیوْمَ للهِ الْوَاحِد الْقَهَّارِ».[[۹]](http://bonyadhad.ir/2888%22%20%5Cl%20%22_edn9) در شرح اشارات خواجه طوسى نیز به مقام «وقوف» (منتهٍ الى الواحد ثم وقوف) اشاره شده است: «هناک لایبقی واصفُ ولاموصوف ولاسالک ولامسلوک ولاعارف ولامعروف و هو مقام الوقوف‏»[[۱۰]](http://bonyadhad.ir/2888%22%20%5Cl%20%22_edn10).

پس به تعبیر امام على علیه السلام: «لایزکوا عندالله سبحانه الّا عقل عارف و نفسٌ عَزوف‏»[[۱۱]](http://bonyadhad.ir/2888%22%20%5Cl%20%22_edn11)؛ یعنى انسان خردگرا و عاقل و صاحب نفسِ رویگردان از دنیا و اعتبارات دنیوى و نفسانى، ابتدا اهل تزکیه و طهارت است و سپس شایسته سیر و سلوک الى‏الله. به همین دلیل، گفته آمد که انسان تا اخلاقى نباشد، عرفانى نمى‏شود و تا مراحل اخلاق را پشت سر نگذارد، مراحل عرفان را پیش روى نخواهد داشت و عرفان به نفس، همه مقدمات و مقارنات سلوک اخلاقى- عرفانى را در بر خواهد داشت. پس انسان باید در سلوک اخلاقى- عرفانى، از نفس اماره بگذرد تا به نفس مطمئنّه و راضیه و مرضیه برسد[[۱۲]](http://bonyadhad.ir/2888%22%20%5Cl%20%22_edn12) و به تعبیر امام على علیه السلام: «الاشتغال بتهذیب النّفس أصلح‏»[[۱۳]](http://bonyadhad.ir/2888%22%20%5Cl%20%22_edn13)، «خیر النّفوس أزکاها»[[۱۴]](http://bonyadhad.ir/2888%22%20%5Cl%20%22_edn14)، «ذروَه الغایاتِ لاینالها الّا ذُو التّهذیب و المجاهدات‏»[[۱۵]](http://bonyadhad.ir/2888%22%20%5Cl%20%22_edn15).

آرى، تزکیه نفس تشکیک‏پذیر، تدریجى و با مجاهدت و تحّمل ریاضت ممکن و میسور است و مقدمه واجبِ عرفانِ عملى و سلوکِ عرفانى است. قرآن کریم نیز بدین نکته رهنمون شده و «تزکیه نفس» و تخلّق به اخلاقِ الهى و رشد و فلاح و سعادت و صِلاح را در گرو هم نهاده است. امام على علیه السلام فرمود: «قلوب العبادِ الطاهره مواضع نظرالله سبحانه، فمن طَهُرَ قلبه نظر الیه‏

**پیوست‌ها:**

[[۱]](http://bonyadhad.ir/2888%22%20%5Cl%20%22_ednref1) . سوره شمس: ۹.

[[۲]](http://bonyadhad.ir/2888%22%20%5Cl%20%22_ednref2) . شرح غررالحکم، ج ۴، ص ۲۵۷.

[[۳]](http://bonyadhad.ir/2888%22%20%5Cl%20%22_ednref3) . الاشارات و التنبیهات، ج ۳، تنبیه سیزدهم.

[[۴]](http://bonyadhad.ir/2888%22%20%5Cl%20%22_ednref4) .. همان، ص ۴۱۹.

[[۵]](http://bonyadhad.ir/2888%22%20%5Cl%20%22_ednref5) . تفسیر موضوعی قرآن مجید، عبد الله جوادی آملی، ج ۱۰، چ ۳، ۱۳۷۹ ش، مرکز نشر اسراء، قم، ص ۲۹۲- ۲۹۳.

[[۶]](http://bonyadhad.ir/2888%22%20%5Cl%20%22_ednref6) .مجمع‏البیان، فضل بن حسن طبرسى، ذیل آیه ۲۱ سوره انسان.

[[۷]](http://bonyadhad.ir/2888%22%20%5Cl%20%22_ednref7) .غررالحکم، ح ۱۷۸۸.

[[۸]](http://bonyadhad.ir/2888%22%20%5Cl%20%22_ednref8) .. اوصاف‏الاشراف، وزارت ارشاد اسلامى، ص ۱۰۱.

[[۹]](http://bonyadhad.ir/2888%22%20%5Cl%20%22_ednref9) . سوره غافر: ۱۶.

[[۱۰]](http://bonyadhad.ir/2888%22%20%5Cl%20%22_ednref10) . ر. ک: دروس شرح اشارات و تنبیهات، حسن حسن‏زاده آملى، ص ۲۵۸ و شرح تفصیلى ۲۴۳- ۲۵۹، چ ۱، ۱۳۸۳ ش، مطبوعات دینى، قم.

[[۱۱]](http://bonyadhad.ir/2888%22%20%5Cl%20%22_ednref11).. ر. ک: میزان‏الحکمه، ص ۶۲۸۶- ۶۴۱۱.

[[۱۲]](http://bonyadhad.ir/2888%22%20%5Cl%20%22_ednref12) .. همان، ص ۶۳۹.

[[۱۳]](http://bonyadhad.ir/2888%22%20%5Cl%20%22_ednref13).. همان، ص ۶۳۹.

[[۱۴]](http://bonyadhad.ir/2888%22%20%5Cl%20%22_ednref14) . همان، ص ۶۳۹.

[[۱۵]](http://bonyadhad.ir/2888%22%20%5Cl%20%22_ednref15) . همان ص ۶۳۹.